

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

الخاندرو مارکو دل پونت  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: علی کاظمی  
۱۶ مارچ ۲۰۲۵

## از سایه‌های نازیسم تا اتاق بیضی شکل کاخ سفید



زئیسکی نمی‌تواند به ایالات متحده چیزی مشابه آنچه قبلاً با بریتانیا امضاء کرده است ارائه دهد (ال تابانو اکونومیستا)

\*\*\*\*\*

در حالی که دولت‌ها ایده‌آل‌های والانی را تبلیغ می‌کنند، در راهروهای قدرت اروپا، پژواک نگران‌کننده‌ای از گذشته به گوش می‌رسد. این الگوی تاریخی، که در آثاری مانند «نازی‌ها تا پایان» نوشته کاتارینا و زاخاری گالانت مستند شده است، به یاد می‌آورد که چگونه شرکت‌هایی مانند آجی فارین، کروپ، فولکس‌واگن، زیمنس و کردیت سوئیس از رژیم نازی در طول جنگ جهانی دوم حمایت کردند و از اقتصاد جنگی سودهای کلانی به دست آوردند. امروز، شرکت‌هایی مانند بلک‌راک و پالانتیر تکنولوژی‌ها بشدت در تلاش‌های جنگی اوکراین مشارکت دارند و در حال شکل‌دهی به این درگیری و تقسیم آینده قدرت به نفع خود هستند.

جنگ در اوکراین به طور رسمی به عنوان دفاع از دموکراسی در برابر اقتدارگرایی معرفی می‌شود، اما در واقع به تخریب کشور بازنده تبدیل شده است. شرکت‌های بزرگ چندملیتی در پشت صحنه در حال حرکت مهره‌های خود هستند

و مصمم‌اند از این درگیری سود ببرند. آلفردو خلیفه‌رحمه اشاره می‌کند که نخبگان بازنده، مانند بلک‌راک، روچیلد، سوروس و بلومبرگ، به دنبال ایفای نقش‌های اصلی در این صفحه جدید قدرت جهانی هستند و از فرصت‌های بی‌سابقه استفاده می‌کنند.

از آغاز عملیات ویژه روسیه، اوکراین به یک آزمایشگاه تجاری و فناوری نظامی تبدیل شده است. این کشور به غنیمتی تبدیل شده که توسط نخبگان نئولیبرال و شرکت‌ها مورد مناقشه قرار گرفته‌است تا آن را برای منافع خود از هم بپاشند. این رقابت با «توافق اروپا-اوکراین برای منابع» در سال ۲۰۲۲ آغاز شد. در همان سال، بلک‌راک، که نماد قدرت مالی جهانی است، با رئیس‌جمهور ولودیمیر زلنسکی به توافق رسید تا مشاوره‌هایی برای ساختاردهی به یک صندوق عظیم بازسازی، مدیریت منابع خارجی، بانکداری اوکراین و حرکت انرژی و صادرات غلات ارائه دهد.

در جنوری ۲۰۲۵، زلنسکی به طور محرمانه با بریتانیا توافقنامه‌ای ۱۰۰ ساله امضاء کرد تا دسترسی اولیه به خاک‌های نادر و مواد معدنی ستراتیژیک ضروری برای فناوری‌های نظامی و غیرنظامی را تضمین کند. این پیمان نه تنها ایالات متحده را خشمگین کرد، بلکه جنگ واقعی نخبگان را که در پشت پرده در جریان است، آشکار ساخت. حرکت انگلیس و اوکراین بلافاصله یک درگیری دیپلماتیک با واشنگتن به راه انداخت، که این توافق را خیانت به منافع خود دید. صحنه در اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید گوئی از یک رمان سیاسی برداشته شده بود: دو متحد در آستانه رویارویی.

در این بازی شطرنج جهانی، منابع طبیعی و نقاط ستراتیژیک ژئوپلیتیکی، مهره‌های مورد طمع هستند. اوکراین گنجینه‌ای از مواد معدنی کلیدی برای فناوری‌های مدرن دارد: ذخایر عظیم لیتیوم، گرافیت، کبالت، نیوبیوم، اورانیوم و عناصر خاک‌های نادر مانند اسکاندیوم. این مواد برای باتری‌های وسایل نقلیه الکتریکی، نیمه‌هادی‌ها، راکتورهای هسته‌ای و سیستم‌های دفاعی ضروری هستند. جای تعجب نیست که این مواد به عنوان ابزار دیپلماتیک در طول جنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

فروش اخیر ۹۰ درصد از سهام شرکت CK Hutchison Holdings در Panama Ports Company (PPC) به یک کنسرسیوم به رهبری بلک‌راک به مبلغ ۲۲.۸ میلیارد دلار، نشان می‌دهد که چگونه این شرکت‌ها در حال بازسازی ژئوپلیتیک جهانی هستند. هاجیسون مالک و اداره‌کننده بندر بالبوآ و کریستوبال در دو سوی اقیانوس آرام و اطلس کانال پاناما است. این اعلامیه شامل معاملات در ۴۳ بندر با ۱۹۹ اسکله در ۲۳ کشور است.

به عبارت دیگر، از گرینلند تا پاناما، ایده دونالد ترمپ از هژمونی ایالات متحده در امریکای شمالی به وضوح دیده می‌شود. در اواخر سال ۲۰۲۴، شایعاتی وجود داشت که واشنگتن در تلاش است تا سهم خود از غنایم معدنی که فاقد آن بود را تضمین کند: اوکراین. بتازگی و با بازگشت به قدرت، رئیس‌جمهور دونالد ترمپ به زلنسکی پیشنهاد یک توافق جنجالی را داد: کمک نظامی در ازای دسترسی ترجیحی به معادن اوکراین. این پیشنهاد که به رسانه‌ها درز کرد، شامل امتیازات گسترده معدنی برای شرکت‌های امریکائی به عنوان بخشی از «جبران» حمایت‌های ارائه‌شده در جنگ بود.

با این حال، زلنسکی هرگز به طور کامل این توافق را رد نکرد، اما ادعا کرد که تضمین‌های امنیتی کافی در صورت حملات آینده روسیه ارائه نمی‌دهد. در پاسخ، او به دنبال تنوع بخشیدن به اتحادیه‌های اقتصادی خود بود و کارت‌های گنجینه اوکراین را بین چندین شریک غربی تقسیم کرد. اوکراین اتحادیه اروپا، بریتانیا و کانادا را برای مشارکت در استخراج مشترک مواد معدنی خود مورد آزمایش قرار داد، که شامل بلک‌راک، روچیلد، سوروس و بلومبرگ، متحد با بروکسل، شد.

به این شرکت‌ها باید نمایندگان تجاری‌شان، تسهیل‌کنندگان فعالیت‌های تجاری، رهبران اروپایی مانند امانوئل مکرون، کیر استارمر، اورزولا فون در لاین و فریدریش مرتس، آخرین رهبر حزب دموکرات مسیحی آلمان با سابقه در بلکراک، اضافه کرد که به وضوح نشان می‌دهد چگونه نخبگان در حال تلاش برای تقسیم بقایای اوکراین تحت ظاهر بازسازی و تثبیت هستند.

درگیری خشونت‌آمیز در واشنگتن شبکه‌ای از منافع درهم‌تنیده و تشنج‌های پنهان را که جنگ اوکراین را احاطه کرده‌است، آشکار کرد. دور از روایت ساده‌انگارانه «دموکراسی‌ها در مقابل دیکتاتوری‌ها»، واقعیت این است که در این درگیری، ایدئولوژی‌های تاریک، جاه‌طلبی‌های شرکتی و رقابت‌های بین قدرت‌های غربی به هم می‌پیوندند. وحدت ظاهری اروپا و ایالات متحده در مقابل مسکو، اختلافات داخلی بر سر کنترل نظم آینده جهان را پنهان می‌کند. رقابت بر سر منابع ستراتیژیک اوکراین و تأمین مالی جنگ، شکاف‌هایی بین متحدان را آشکار کرده است. بریتانیا، اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای تضمین مزایای خود در تنظیم جدید جهانی قدرت رقابت می‌کنند. توافق ۱۰۰ ساله با لندن نشانه‌ای از این بود که چگونه هر بازیگر به دنبال موقعیت‌یابی بلندمدت در رقابت نئوکولونیالیستی است. جنگ در اوکراین تنها یک درگیری بین ملت‌ها نیست، بلکه نبردی بین نخبگان و شرکت‌ها برای کنترل منابع ستراتیژیک و مبارزه‌ای شدید برای آینده قدرت جهانی است. در حالی که روایت‌های رسمی از دموکراسی و آزادی سخن می‌گویند، واقعیت این است که شرکت‌های بزرگ و نخبگان نئولیبرال در حال بازتعریف جهان به نفع خود هستند. تلاش برای صلح و جهانی بهتر به نظر می‌رسد که هر چه بیشتر از دستور کار کسانی که نخ‌های قدرت را در دست دارند، دور می‌شود.

[۱۵ مارچ ۲۰۲۵](#)